



جلسه غیر علنی و محرمانه بود

در نشست علنی روز گذشته مجلس، مجتبی زارعی، نماینده تهران در تذکر شفاهی خطاب به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس با بیان اینکه «نایب استاندار دوگانه داشته باشیم» گفت: «بیرون از من می‌پرسند چقدر گرفتی. بعضی از افراد انقلابی نما زمانی که شما در سفر بودید مجلس را به دو دسته خریداری شده‌ها و خریداری نشده‌ها تقسیم کردند. چرا بعضی‌ها با نقاب انقلابی گری به چنین کاری دست می‌زنند؟

در موضوع تفکیک وزارتخانه راه و شهرسازی یک باند موسوم به انقلابیون از بیرون توتیت زده است، بعضی از افراد این باند در داخل مجلس هستند که نماینده‌ها را برند هتل و چنین و چنان در موضوع وزیر اقتصاد هم همینطور...» وی با بیان اینکه ده‌ها وزیر و مقام فدای یک تار موی کوخ‌نشینان، گفت: «این استاندار دوگانه را من قبول ندارم. دستگاه‌های اطلاعاتی مگر خوباند؟ منتظرید تا دوره بعد در تاییدصلاحیت اقدام کنید؟» وی در ادامه افزود: «نظقی در صحن داشتیم که اعلام کردند نمی‌توانم تصویر آن را دریافت کنم و نواب رئیس باید اجازه بدهند. یک روز و نیم وقت گذاشتم تا نطق غیرمحرمانه خود را دریافت کنم.

در حالی که یک عزیز محترم جلسه غیرعلنی مجلس را ضبط می‌کند و بعد اعلام می‌کند و شما هم نمی‌فهمید و من میفهمم. استاندار دوگانه ممنوع است و اگر کسی صدای خود را بلند کرد واجد حق نیست.» در پاسخ به این تذکر رئیس مجلس گفت: «تلاش من و اعضای هیئت‌رئیسه این است که استاندار و رفتار دوگانه نداشته باشیم، نمی‌گویم که اشتباه نمی‌کنیم اما حتماً تعدمی نداریم. به عنوان خدمتگزار همکارانم در مجلس این نکته را عرض می‌کنم که درست نیست با برخی حرف‌ها ذهن جامعه را نسبت به مجلس مخدوش کنیم. ما در مجلس یازدهم هم این موضوعات رو داشتیم. من استدعا دارم که در بیانات و در حرف‌های خود به این نکات توجه کنید.

مقام معظم رهبری فرمودند که مجلس بلندترین منبر جمهوری اسلامی است. دوستان بدانند حق نداریم در اینجا حرفی خلاف شرع و قانون بزنیم و به کسی توهین کنیم. رهبری در مجلس یازدهم فرمودند کلمه‌ای که در صحبت فلاتی مطرح شد خلاف شرع بین بود. عرض کردم ۲۰ ثانیه نشد که بلندگو را قطع کردم.

فرمودند نباید همان ۲۰ ثانیه را نیز اجازه می‌دادی این حرف مطرح شود. در زمان‌های خود نباید خلاف شرع بیان کنیم هر چند که باید حرف حق را بزنیم، نقد کنیم و تذکر بدهیم.»

در پی این تذکر و پاسخ آن حمید رسایی، نماینده تهران که منظور زارعی از کسی که فیلم جلسه غیر علنی را منتشر کرده است را خود دانسته و در تذکری گفت: «براساس ماده ۷۵ اگر به نماینده‌ای تصریحاً و یا تالیحاً نسبتی داده شود آن نماینده حق دفاع دارد و امروز آقای زارعی نفر سومی بود که در خصوص بنده اظهارنظر کردند ... سه نفر از نمایندگان گفتند که رسایی جلسه غیرعلنی را منتشر کرده و کار خلاف قانون انجام داده و من در این باره آیین‌نامه‌ی رمی خوانم تا شما به عنوان یک فرد عادل قضاوت کنید؛ در آن روز خاص جلسه غیر علنی که در آیین‌نامه آمده باشد ما نداشتیم در حالی که در آیین‌نامه ما فقط یک جلسه غیرعلنی داریم که شرح و توضیح آن در قانون ۱۰۲ آمده است و اگر شما ماده دیگری درباره جلسه غیر علنی می‌شناسید، اعلام کنید و در این ماده نیز آمده است در صورت اضطرار که رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای کتبی رئیس جمهور و یکی از وزرا و یا ۱۰ نماینده جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود و در این صورت تقاضاکننده جلسه غیرعلنی دلایل خود را مطرح می‌کند و پس از آن رای گیری می‌شود و اگر این جلسه بخواد منتشر شود نمایندگان باید اظهارنظر کنند و اگر این موضوع رای آورد مشروح آن منتشر می‌شود.» وی در ادامه افزود: «من در آن جلسه خاص نطق سه‌دقیقه‌ای خود را منتشر کردم و البته آن جلسه، جلسه غیرعلنی آیین‌نامه‌ای نبود، پس انتشار محتوای آن جلسه اشکالی نداشت.»

در واکنش به این سخنان قالیباف صراحتاً نظرش را اعلام و تأکید کرد: «آن جلسه، حتماً جلسه محرمانه و غیر علنی بود و دلیل آن این است که اعلام شده بود.»

نگاه هم‌میهن

آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه آرمان‌گرایی تخریب‌گرایانه

واکاوی سخنان رهبر جریان اصلاحات و هجمه تندروها به آن



سیمه متقی دبیر‌گروه سیاست

«عزیزان وضعیت کشور خوب نیست، البته این وضع را آقای پزشکبان به وجود نیاوردند. این اوضاع میبوه ویکرد و جهت‌گیری است که از سالیان پیش اتخاذ شده و اکنون بروز و ظهور کرده است. گرچه با کمال تأسف کسی که قدرت را باختند، سعی می‌کنند این وضع بد را به حساب دولتی بگذارند که از جمله مورد حمایت شما نیز هست. حتماً هم این را قبول دارم که دخالت دشمن، فزون‌طلبی‌ها، انتقام‌گیری‌ها و... از این نظام و مردم بر بد شدن اوضاع اثر داشته است. اما بنده معتقدم باید به خودمان هم نگاه کنیم.

اینکه ما چه کردیم؟ ما تا چه اندازه می‌توانستیم این وضع را به وجود نیاوریم و آوردیم؟» این سخنان سیدمحمدخاتمی رهبر جبهه اصلاحات است که اخیراً در جلسه با اعضای مجمع ایثارگران بیان شده و همین بخش کافی است که نشان دهد این سیاستمدار که اتفاقاً بهترین دولت‌پس از پیروزی انقلاب به سکانداری او در دهه ۷۰ و ۸۰ شکل گرفت و از لحاظ شاخص اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی سایر دولت‌ها نتوانستند به آن برسند؛ متواضعانه به عقب نگاه می‌کند و با وجود اینکه شاید دولت متبوعش از نظر تقصیر و قصور جزء دولت‌های سربلند در کشف مقصرین وضع موجود باشد؛

بار دیگر از جریان حامی خود می‌خواهد که به خودش هم نگاه کنند و به پاسخ این بپردازند که «... ما چه کردیم؟ ما تا چه اندازه می‌توانستیم این وضع را به وجود نیاوریم و آوردیم؟» اما در برابر، شاهد آن هستیم که جریان مقابل و تندرو کشور که پرچمدار شناخته‌شده‌اش روزنامه‌کیهان است؛ حتی همین سخنان را به باد انتقاد می‌گیرد و به همان مسیری می‌رود که اغلب مواقع رفته و بر طبل اختلافات می‌کوبد و با «کی بود، کی بود، من نبودم» به دنبال انداختن تقصیرها به گردن جریانی است که این رسانه، همفکران و هم‌مسلسکی‌هایش مدت‌هاست با هر نیرو تلاش کرده آنها را به حاشیه بکشاند و از قضا تا حد زیادی هم حداقل در سطح تصمیم‌گیری موفق بوده است. چنانچه کیهان در مطلبی با عنوان «انگرن معیشت مردم یا کار چاق کنی برای ترامپ؟!» بدون توجه منطقی به فحوای کلام خاتمی و نگرانی‌هایش مسلسل تخریب و توهینش را به سمت او گرفته و نوشته است: «امثال خاتمی اگر انصاف و حریت و شجاعت داشتند، باید اذعان می‌کردند که با ترویج دروغ تقلب در انتخابات ۱۳۸۸، مشارکت اقتدارآفرین ۴۰ میلیونی مردم را تبدیل به ابزار تفرقه و دوقطبی‌سازی کردند؛ سپس در انتخابات چهار سال بعد، از تحریم‌های خصمانه دشمن، سکویی تبلیغاتی برای متهم‌کردن نظام و انقلاب و تیره‌رزمی خبیث آمریکا ساختند؛ آنگاه اعتماد به شیطان بزرگ و دادن امتیازات نقد در مقابل وعده نسبه‌ریزک کردند اما با این وجود، نتیجه این رویکرد مناقفانه و غیرمسئولانه را به دیگران نسبت می‌دهند!...! خاتمی درست در حالی از تعامل سخن می‌گوید که طرف آمریکایی دنبال باج‌خواهی و

دیکنه کردن (نه تعامل) است و این الگوی استکباری را حتی به متحدان خود توسعه داده است... البته که آنقدر درباره این تندروی‌های ادامه‌دار جریان تندرو اصولگرا گفته و نوشته شده است؛ که دیگر از چه بایی رفتن و امید به شنیدن داشتن را نمی‌دانیم اما فارغ از اینکه معمولاً این رسانه‌ها به جای تلاش برای ایجاد فضای تعامل در سیاست داخلی؛ آن هم در شرایط بحرانی کشور که هر روز هم بحرانی‌تر می‌شود، به دنبال حمله و هجمه به جریانی که در برابر رقیب سیاسی‌شان هستند؛ خوب است سخنان رهبرجبهه اصلاحات را واکاوی کرده و به جای قضاوت همیشگی «امن قال» که این جریان

تندرو در آن بدطولایی دارند به «ما قال» بپردازیم. شاید از این گردنه سخت راهی به عبور (نه سقوط) بیابیم. خاتمی در بخش قابل توجهی از سخنانش به موضوع ایثار می‌پردازد و تأکید دارد که «گرچه متأسفانه از همه چیز حتی مقدسات سوءاستفاده می‌شود به خصوص اگر قدرت مه‌ار نشده‌ای حاکم باشد؛ همچنان که از دین، اخلاق، علم، و... سوءاستفاده شده است.» تجربه‌ای که حداقل در کشور ما نسبت به جامعه کاملاً قابل مصادق‌یابی است و فقط نیاز است که مردم از تجربیات‌شان در مواجهه با جلسات گزینش باتلاش برخی برای ارتقای موقعیت در دستگاه‌های مختلف‌یاب‌خورد با افراد سخن بگویند. خاتمی بعد از این گوشزد می‌کند: «ممکن است شما تمام سلاح‌ها را در اختیار داشته باشید اما مردم حاضر نباشند در عرصه حضور یابند و از خودگذشتگی و مشارکت نکنند و سلاح‌ها از کار می‌افتند. اتحاد جماهیر شوروی نمونه آن است. زمانی که حکومت از مردم جدا شود، آن حکومت دوام نخواهد داشت.»

او همچنین تأکید دارد که «باید میان آرزوها (به خصوص آرزوهای غیر قابل تحقق) با آرمان‌خواهی فرق گذاشت. یعنی آرمان‌خواهی نه‌تنها مخالف واقع‌بینی نیست بلکه باید واقعیت‌ها را دید و با وجود واقعیت‌ها آرمان‌ها قابل دسترسی باشند... باید با واقعیات مواجه شد و آنها را دید و براساس امکانات و مصالح حرکت کرد و به نفع مردم و رضایت مردم از آرمان‌دفاع کرد و مهم‌ترین مصلحت کشور و ملت و حتی حاکمیت تأمین نیازهای مردم و جلب رضایت آنان است و در این زمینه باید با دنیا تعامل کرد.» بعید است هیچ عاقل سلیمی با این گفته خاتمی از باب سیاست مخالفتی داشته باشد؛ اما در برابر کم نیستند افرادی که منافع ملی، مصالح جامعه و رضایت مردم را قربانی همین آرمان‌گرایی‌های بدون واقع‌بینی کرده‌اند و شاید در کنار فساد و ناکارآمدی‌هایی که در دهه‌های اخیر کشور را به سمت وضعیت کنونی کشاند، این نوع نگاه هم همواره مانع از پیشبرد درست برنامه‌ها می‌شد. این آرمان‌خواهی در جریان دور از قدرت که معمولاً یک پایه ثابت چند دهه اخیر اصلاح‌طلبان بودند به ثل شدن گام‌ها و ناامیدی و رخت منجر شده که در کلان‌آسیب‌هایی در فضای سیاسی داشته است و اما در جریان نزدیک به هسته سخت قدرت این آرمان‌گرایی بدون واقع‌بینی می‌تواند تا همه ابعاد زندگی مردم و حتی آینده آنها پیش‌رود و اثر منفی بگذارد؛ همانطور که اگر بگردیم مواردی از این نوع کم نیست. رهبر جبهه اصلاحات همچنین به نقد دولت که حامی سیاسی آن بوده است، هم برخلاف غالب جریان رقیب که معمولاً چشم‌شان را بر همسویان‌شان می‌بندند؛ می‌پردازد و می‌گوید: «اولی به این معنی نیست که دولت جدید هم هیچ عیب و مشکلی ندارد.» او در ادامه راهی برای رهایی هم مطرح کرده است: «۱- اصل حاکمیت این را پذیرد که تغییر و اصلاح لازم است... اینکه صدای بلند در این کشور برای آنان باشد که می‌گفتند تحریم نعمت است و امروز با صدای بلند می‌گویند همه چیز را به گردن کسانی بیاندازند که مردم برای آنکه اینها نیابند، آنها را انتخاب کردند، این قابل قبول نیست... ۲- دولت هم باید توان فکری و توان عملی برای برنامه‌ریزی این کارها را داشته باشد... رئیس‌جمهور باید بتواند قانع کند، برنامه‌ریزی کند و از انسان‌های توانمند در اجرای برنامه‌ها از جمله رف تحریم یا کم‌اثر شدن آن استفاده کند.» او در پایان هم تأکید می‌کند: «من نمی‌خواهم نظم کشور به‌هم بریزد و برای اینکه انقلاب نشود باید اصلاحات را پذیرفت و در جهت آن حرکت کرد.» تصویری که خاتمی از فضای جامعه ارائه کرده است نه گنگ و نامفهوم یا دور از واقعیت است که واکنش جریان رقیب تخطئه آن باشد نه راهکار‌هایش چیزی دور از منطقی بوده است که جریان مقابل وظیفه خود بدانند در برابرش بایستد.

کاش زمانی برسد که واقعاً قصد همه طرف‌های سیاسی اصلاح امور جامعه و حل مشکلات باشد نه دعوا و به جای آرمان‌گرایی تخریب‌گرایانه و باغ‌آبه آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه بپردازند و تلاش کنند با تعامل و در آرامش مشکلات را حل کنند.

اصلاح‌طلبان و موانع پیش‌روی پزشکبان



فرهاد فخرآبادی و منصوره محمدی، گروه سیاست: در پی سخنان سیدمحمد خاتمی رهبر جبهه اصلاحات در جمع اعضای مجمع ایثارگران راهبردهایی برای خروج از مشکلات کشور مطرح شد که در این باره گفت‌وگوهایی با علی شکوری‌راد، عضو هیئت‌رئیس جبهه اصلاحات، رسول منتجب‌نیا، دبیرکل حزب جمهوری‌ت، علی باقری، فعال سیاسی اصلاح طلب داشته‌ایم که در ادامه می‌آید:

سیدمحمد خاتمی در بخشی از اظهارات خود به نقد از خود و جریان خود می‌پردازد و می‌گوید: «این را قبول دارم که دخالت دشمن، فزون‌طلبی‌ها، انتقام‌گیری‌ها و... از این نظام و مردم بر بدتر شدن اوضاع اثر داشته است. اما بنده معتقدم باید به خودمان هم نگاه کنیم. اینکه ما چه کردیم؟ ما تا چه اندازه می‌توانستیم این وضع را به وجود نیاوریم و آوردیم؟... آیا ما در رویکرد‌هایمان همیشه درست عمل کرده‌ایم؟ یعنی بر اساس آنچه مصلحت ملی و نیاز ایران بوده است سیاست‌گذاری کرده‌ایم یا نه مصالح ملی مورد توجه نبوده است؟» به نظر شما جریان اصلاحات تا چه میزان در وضعیت موجود مقصر است؟ مهم‌ترین نقدهایی که به جریان اصلاحات دارید، چیست؟



**علی شکوری‌راد:** به نظر من منظور آقای خاتمی از «ما» در این سخن مجموعه دست‌اندرکاران انقلاب و نظام است، یعنی مجموع «بائیان وضع موجود». اصلاح‌طلبان هم در دوره‌هایی در بخش‌هایی از قدرت سهیم بوده‌اند. اما جریان اصلاحات همیشه به دنبال اصلاح وضع موجود بوده‌است. بنابراین در جهت‌گیری‌های اصلاح‌طلبانه آن هیچ تردیدی نیست اما اینکه آیا روش‌هایی که برگزیده است، درست بوده یا خیر، ممکن است موردسوال برخی باشد. در برهه‌های مختلف، کنش‌های مختلفی را از اصلاح‌طلبان در قبال وضع موجود شاهد بوده‌ایم. به نظر من در هر برهه‌ای اصلاح‌طلبان سعی کرده‌اند از شیوه‌ای موثر استفاده کنند اما مقاومت در برابر آنها زیاد بوده است. چرا که بائیان وضع موجود همیشه دست برتر را در برابر اصلاح‌طلبان داشته و در مقابل آنها ایستادگی کرده‌اند. آنها از همه ابزار قدرت استفاده کرده‌اند تا دست اصلاح‌طلبان را ببندند و مانع جلوی پای آنها بگذارند تا نتوانند نسبت به اصلاح وضع موجود اقدام موثری انجام دهند. مردم از این نظر که اصلاح‌طلب‌ها با اتخاذ شیوه‌های متفاوت همچنان نتوانستند وضعیت حکمرانی را در کشور بهبود ببخشند و اصلاح کنند، از اصلاح‌طلبان روی گردانند، اگرچه این رویگردانی از اصلاح‌طلبان به معنای روی آوری به اصولگرایان و روش‌های حکمرانی آنها نبود، بلکه این دسته از مردم بیشتر به سمت براندازها رفته و کفه براندازها را سنگین کردند. جای تعجب است که چرا بائیان وضع موجود که شرایط ناسامان کنونی کشور از تبعات رویکردها و عملکردهای آنان است، مسئولیت حکمرانی بد خود را نمی‌پذیرند و فرافکنی می‌کنند. این حجم از عدم شفافیت، عدم پاسخگویی و مسئولیت‌ناپذیری که در این جناح می‌بینیم شگفت‌انگیز و نیازمند روانکاوی و تحلیل است. حالا اینکه بائیان وضع موجود بخوانند توب‌ر را در زمین اصلاح‌طلب‌ها بیاندازند و آنها را پاسخگوی چیزی که ربطی به آنها ندارد بکنند، یک پدیده جدیدی است که شاهد آن هستیم

مهم‌ترین نکته‌ای که در بین صحبت‌های اخیر آقای خاتمی وجود داشت، این بود که بر لزوم نگاه آرمان‌خواهانه واقع‌بینانه تأکید کردند. آقای خاتمی اشاره درستی داشتند که نگاه حاکمیت در پیشبرد امور باید نگاه آرمان‌خواهانه واقع‌بینانه باشد، یعنی به‌رغم اینکه به آن دورنماها و آرمان‌های متعالی نگاه دارد و جهت‌گیری‌اش به سمت آن آرمان‌هاست، اما واقعیت‌های موجود در جهان را باید مورد توجه قرار دهد و حرکت خودش را به گونه‌ای تنظیم کند که هم در جهت آرمان‌ها حرکت کند و هم واقعیت‌های موجود را در نظر داشته باشد. این آرمان‌خواهی‌ها را طوری تنظیم کند که سندی نباشد و رفتن به سمت آنها زندگی روزمره جامعه را مورد مخاطره قرار ندهد. این منطقی و نگاه، به عملکرد نیروهای منتقد هم باید وجود داشته باشد و از همین منظر می‌خواهم بخشی از حرکت اصلاح‌طلبانه را در سال‌های گذشته نقد کنم. آرمان‌خواهی واقع‌بینانه، باید در رفتار منتقدین و

اصلاح‌گران هم جاری و ساری باشد. در سال‌های اخیر، برخی نگاه‌های آرمان‌خواهانه اصلاح‌طلبانه تا حدودی از واقع‌بینی‌ها به دور بوده است، یعنی به‌رغم اینکه اهداف و آرمان‌های متعالی و اصلاح‌گرایانه‌ای مطرح شده است، اما انتخاب این آرمان‌ها و طرح آنها بعضاً تماماً با نگاه واقع‌بینانه نبوده است. اینکه ما بیابیم و یکسری آرمان‌های متعالی را مطرح کنیم اما به شرایط و امکان‌پذیری تحقق آنها توجه نداشته باشیم؛ می‌تواند راه اصلاح‌گری را سد کند. توجه به تدریجی بودن تحقق آرمان‌ها، اصل مهمی است که شاید در سال‌های گذشته، آن عنایت ویژه‌ای که نسبت به آن باید از سوی اصلاح‌طلبان وجود می‌داشت، کمتر وجود دارد. یعنی آرمان‌های مترقی و شرافتمندانه‌ای مطرح می‌شده که نیاز کشور هم بوده، اما از زاویه نگاه واقع‌بینانه، به میزان امکان‌پذیری تحقق این آرمان‌ها، یکی از جهاتی است که در رفتار اصلاح‌طلبان قابل نقد است. یعنی آن نگاه تدریجی و تدریجی‌گرایی برای آن آرمان‌ها کمتر وجود داشته است.



**رسول منتجب‌نیا:** برای بررسی این موضوع باید نگاهی به سه دهه گذشته داشته باشیم. دولت آقای خاتمی، سعی داشت که از مجموع اصلاح‌طلبان تشکیل شود و عملکرد و

رویکردش اصلاح‌طلبانه و قابل دفاع است و مردم هم خاطره خوبی از آن دولت دارند. دولت بعدی که در دوره آقای احمدی‌نژاد بود هم هیچ ربطی به اصلاح‌طلبان نداشت و اصولگراها مسئول آن عملکرد هستند و باید پاسخگو باشند. در دوره بعدی، اصلاح‌طلبان در آمدن آقای روحانی بسیار موثر بودند و اگر اصلاح‌طلبان پشت سر ایشان نبودند، ایشان در انتخابات موفق نمی‌شد اما در انتصاب‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اینفلور نبود که نتیجه‌اش تعیین‌کننده باشند.

آقای روحانی نظرات دیدگاه‌های خودش را رانی را جذب کرد که بعضاً مورد قبول ما نبودند، من همان موقع نسبت به ستاد اقتصادی آقای روحانی انتقاد داشتم ولی در عین حال، چه بخوایم و چه نخواهیم، دولت آقای روحانی پای اصلاح‌طلبان نوشته شده است. دولت مرحوم رئیسی هم هیچ ارتباطی با اصلاح‌طلبان نداشت. دولت جدید هم، آقای پزشکبان از یکسوا اصلاح‌طلب است و از نسوی دیگر یک روحیه خاص و دیدگاه خاصی دارد. از زمان انتخاب، ایشان مجموعه‌ای را دور خودش جمع کرد که کامل و موثر نبود، که شاید علتش هم این باشد که افراد را نمی‌شناخت. یکی از مشکلاتی که وجود داشت، کمیته‌هایی بود که برای انتخاب‌ها تشکیل داده بود که به نظر من کار اشتباهی بود و مشکلات فراوانی را ایجاد کرد. ایشان در زمان انتخابات شعارهای اصلاح‌طلبانه داد اما پس از انتخابات شعار وفاق ملی را داد اما تصویری از آن ارائه نکرد و به این ترتیب، با کمک شورای راهبری نیروها را انتخاب کردند، در نتیجه دولتی که آقای پزشکبان تشکیل داده، دولتی نیست که بتوان آن را متناسب با اصلاح‌طلبان دانست و در همین کابینه دولی سه نفر وجود دارند که بتوان آنها را اصلاح‌طلب دانست. به صورت کلی به عقیده من، در دولت آقای پزشکبان، مظلوم‌ترین جریان سیاسی، اصلاح‌طلبان هستند.